

سبعت کمالی و بذکر ولیه علیہ السلام

متن مجری «۴ قطعه» فضایل امیرالمؤمنین در جنگ احد سال سوم هجری

متن اول

آقا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «ذِکْرُ عَلِيٍّ عِبَادَةُ» ذکر علی علیه السلام ، عبادت است. ذکر یعنی یاد، یعنی هم نام او را بردن و «یا علی» و «مرتضی» و «حیدر» و «امیرالمؤمنین» گفتن عبادت است و هم ذکر و یاد فضایل او را کردن، فضایی که دشمنانش هم به آنها اعتراف دارند و نمی توانند آن را انکار کنند و عجب اینکه باز هم ولایت او و جانشینانش را نمی پذیرند و هنوز پی گوساله سامری را گرفته اند؛ تاجگذاری او را در غدیر نادیده گرفته و با دیگری بیعت کردند.

ای همدل عزیز، بیا در آستانه ی عید سعید غدیر؛ نمی از یم فضایل آقا مرتضی علی علیه السلام را با هم گوش جان بسپاریم .

در کنار کوه اُحد غوغایی بر پاست، لشکر اسلام پشت به کوه اُحد و رو به لشکر ابوسفیان صف کشیده اند و لشکر مشرکان مکه از کینه مسلمانان لب می گزند و آماده اند تا سرشکستگی جنگ بدر را جبران کنند.

واینک مردی بنام طلحه که پرچمدار و پهلوان لشکر ابوسفیان است رَجَز خوانان جلومی آید و مبارز می طلبد، هیچ کس جرأت نمی کند هم رزم طلبی او را پاسخ دهد، و هم اکنون ، شیر بیشه های کارزار، حیدر کَرّار برای جنگ با او اعلام آمادگی می کند.

طلحه از مکیان است ، در مکه هم شاهد فداکاری های علی علیه السلام در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله بوده ، پس می گوید: «می دانستم ، می دانستم که جز تو کسی جرأت کار زار و جنگ با من را ندارد .»

طلحه شمشیرش را بالای سرش می برد و ضربه ای فرود می آورد، ولی مولا علی علیه السلام ضربه اش را با سپر دفع می کند و سپس مولی علی علیه السلام شمشیرش را بالا می برد و بر فرق سر طلحه فرو می آورد، سر طلحه با وجود کلاه خود تا نیمه می شکافد و آن پهلوان مکه را نقش بر زمین می کند، فریاد الله اکبر و هلهله از لشکر اسلام بلند می شود.

عثمان برادر طلحه از میان لشکر ابوسفیان جلو می آید، پرچم خوابیده طلحه را برداشته و برای جنگ جلو می آید، ولی او هم با ضربت محکم مولا علی علیه السلام از پا در می آید، پس از او هفت نفر دیگر جلو می آیند و پرچم را برمی دارند ولی همه توسط امیرمؤمنان علیه السلام کشته می شوند و دیگر هیچ کس از لشکر ابوسفیان جرأت نمی کند جلو بیاید و آن پرچم شوم را بردارد.